

به نام خدا

رهبری موثر در آموزش و پرورش

مولفان :

مریم میانرودیان

علی ابوالقاسمی

انتشارات ارسطو

(سازمان چاپ و نشر ایران - ۱۴۰۲)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب رسان موجود می باشد

chaponashr.ir

سرشناسه: میانرودیان، مریم، ۱۳۵۸-
عنوان و نام پدیدآور: رهبری موثر در آموزش و پرورش/ مولفان مریم میانرودیان، علی ابوالقاسمی.
مشخصات نشر: ارسطو (سامانه اطلاع رسانی چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۲.
مشخصات ظاهری: ۱۲۹ص.
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۳۳۹-۵۱۹-۲
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
یادداشت: کتابنامه: ص. ۱۱۱ - ۱۲۹.
موضوع: رهبری آموزشی
آموزش و پرورش -- مدیریت
شناسه افزوده: ابوالقاسمی، علی، ۱۳۴۹-
رده بندی کنگره: LB۲۸۰۶
رده بندی دیویی: ۳۷۱/۲۰۱۱
شماره کتابشناسی ملی: ۹۴۶۴۶۰۶
اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا

Educational leadership
Education -- Management

نام کتاب: رهبری موثر در آموزش و پرورش
مولفان: مریم میانرودیان - علی ابوالقاسمی
ناشر: ارسطو (سامانه اطلاع رسانی چاپ و نشر ایران)
صفحه آرای، تنظیم و طرح جلد: پروانه مهاجر
تیراژ: ۱۰۰۰ جلد
نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۲
چاپ: زبرجد
قیمت: ۱۱۰۰۰۰ تومان
فروش نسخه الکترونیکی - کتاب رسان:
<https://chaponashr.ir/ketabresan>

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۳۳۹-۵۱۹-۲
تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵
www.chaponashr.ir



انتشارات ارسطو



فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۵	بخش اول: گشایش رهبری در آموزش و پرورش ایران.....
۵	مروری تاریخی بر رهبری آموزشی در ایران.....
۸	نظام آموزشی ایران: تحلیلی ساختاری.....
۱۱	تأثیرات فرهنگی بر سبک های رهبری.....
۱۴	نقش دین در شکل گیری رهبری آموزشی.....
۱۷	روندهای معاصر در رهبری آموزشی.....
۲۰	چالش های کلیدی پیش روی رهبران در مدارس ایران.....
۲۲	تأثیر تغییرات سیاسی بر رهبری آموزشی.....
۲۴	آموزش و توسعه رهبری در ایران.....
۲۷	بخش دوم: شایستگی ها و مهارت های اصلی رهبری.....
۲۷	رهبری رویایی: تعیین اهداف و انتظارات واضح.....
۲۹	تصمیم گیری: متعادل کردن سرعت با دقت.....
۳۲	ارتباط موثر: پل زدن شکاف ها و ایجاد روابط.....
۳۴	هوش هیجانی: شناخت خود و دیگران.....
۳۷	مدیریت تغییر: پیمایش از طریق عدم قطعیت ها.....
۳۹	حل تعارض: حفظ هماهنگی و بهره وری.....
۴۲	مدیریت زمان: اولویت بندی برای تاثیر.....
۴۶	پرورش فرهنگ یادگیری مستمر.....
۴۹	بخش سوم: سبک های رهبری و تأثیر آنها.....
۴۹	رهبری اقتدارگرا: جوانب مثبت و منفی.....
۵۱	رهبری تحول آفرین: الهام بخش تغییر و نوآوری.....

۵۴	رهبری خدمتگزار: پرورش یک محیط حمایتی
۵۷	رهبری دموکراتیک: تشویق مشارکت و بازخورد
۵۹	رویکرد رهبری ترکیبی: انطباق با موقعیت‌های مختلف
۶۲	رهبری در مؤسسات آموزشی ایران: ویژگی های منحصر به فرد
۶۴	ارزیابی و انتخاب سبک رهبری مناسب
۶۷	بخش چهارم: ایجاد و رهبری تیم های با عملکرد بالا.....
۶۷	مولفه های تیم های با عملکرد بالا در آموزش
۶۹	نقش اعتماد و شفافیت
۷۲	تفویض اختیار موثر: توانمندسازی دیگران
۷۵	ترویج همکاری و کار گروهی
۷۷	پرورش استعدادها و تشویق به رشد حرفه ای
۷۹	پرداختن به تعارضات تیمی فعالانه
۸۲	تجلیل از موفقیت ها و درس گرفتن از شکست ها
۸۵	نقش رهبری در توسعه تیم
۸۹	بخش پنجم: ایجاد و رهبری تیم های با عملکرد بالا.....
۸۹	شناخت منظر آموزشی در ایران
۹۱	توسعه چشم انداز روشن و قانع کننده
۹۴	همسویی چشم انداز با اقدام: برنامه ریزی استراتژیک
۹۶	مشارکت دادن ذینفعان در فرآیند تنظیم چشم انداز
۹۹	غلبه بر مقاومت در برابر تغییر
۱۰۲	نظارت بر پیشرفت و تطبیق استراتژی ها
۱۰۴	تضمین پایداری ابتکارات
۱۰۷	مطالعات موردی: تحولات راهبردی موفق در آموزش و پرورش ایران
۱۱۱	منابع و ماخذ.....
۱۱۱	منابع فارسی
۱۲۹	منابع لاتین

بخش اول

گشایش رهبری در آموزش و پرورش ایران

مروری تاریخی بر رهبری آموزشی در ایران

رهبری آموزشی نقشی محوری در شکل دادن به چشم انداز آموزشی هر کشور ایفا می کند. در متن ایران، ملتی با تاریخ و میراث فرهنگی غنی، تحول رهبری آموزشی عمیقاً با تحولات تاریخی، اجتماعی و سیاسی آن عجین شده است. این بخش به بررسی اجمالی تاریخی رهبری آموزشی در ایران می پردازد و سیر آن را از ایران باستان تا ایران امروزی بررسی می کند. هدف این است که درک جامعی از چگونگی تکامل رهبری در آموزش در طول زمان ارائه دهد و چهره‌های کلیدی، سیاست‌ها و رویدادهایی را که چشم‌انداز رهبری آموزشی فعلی در کشور را شکل داده‌اند، برجسته کند.

ریشه‌های رهبری آموزشی در ایران را می توان در ایران باستان جستجو کرد، تمدنی که به دلیل پیشرفت در زمینه‌های مختلف از جمله آموزش شناخته شده است. امپراتوری‌های ایرانی مانند هخامنشیان و ساسانیان به اهمیت آموزش و نقش رهبران در پرورش آن پی بردند. قابل ذکر است که کوروش کبیر که از سال ۵۵۹ تا ۵۳۰ قبل از میلاد بر امپراتوری هخامنشیان حکومت می کرد، به دلیل رویکرد روشنگرانه اش به رهبری و آموزش ستایش می شود. او را به ایجاد اولین منشور حقوق بشر و ترویج تبادل فرهنگی و آموزشی نسبت می دهند.

نظام آموزشی ایرانی در دوره هخامنشی با حضور مغان، طبقه روحانی که مسئول آموزش اخلاق و ارزش‌ها بودند، مشخص می شد. این شکل اولیه رهبری آموزشی بر رشد

اخلاقی و اخلاقی تأکید داشت. رهبران آموزشی، در این زمینه، شخصیت‌های مذهبی بودند که در شکل‌گیری ارزش‌ها و باورهای جامعه نقش بسزایی داشتند (یارشاطر، ۱۳۶۱، ص ۷۵).

با ظهور اسلام در قرن هفتم، عصر جدیدی از رهبری آموزشی در ایران آغاز شد. علما و پیشوایان اسلامی مانند ابن سینا و فارابی سهم بسزایی در تعلیم و تربیت و فلسفه داشتند که تأثیر ماندگاری در منطقه داشت. تأسیس مدارس، مراکز آموزشی و ترویج تعلیمات دینی، مرحله جدیدی را در رهبری آموزشی رقم زد (رضوی، ۱۳۹۴، ص ۱۲۴).

در این دوره، رهبران آموزشی اغلب علمای دینی بودند که نقشی دوگانه به عنوان راهنمای معنوی و آموزشی داشتند. نفوذ آنها فراتر از آموزش بود و رشد اخلاقی و اخلاقی را در بر می‌گرفت و با اصول اسلامی همسو می‌شد. ادغام آموزه‌های دینی در نظام آموزشی، تغییر قابل توجهی را در فلسفه رهبری آموزشی در ایران رقم زد.

سلسله صفویه (۱۵۰۱-۱۷۳۶) تغییراتی را در نظام آموزشی و رهبری ایجاد کرد. در این دوره، دولت نقش فعال‌تری در سازماندهی و رسمی کردن آموزش و پرورش ایفا کرد. تأسیس مدارس رسمی و انتصاب مربیان توسط دولت نشانگر تغییر به سمت رهبری آموزشی متمرکز بود.

رهبران آموزشی در عصر صفویه از سوی دولت منصوب می‌شدند و مسئولیت اداره و اداره مؤسسات آموزشی را بر عهده داشتند. این نشان دهنده گذار از علمای دینی به رهبران آموزشی منصوب از سوی دولت بود. برنامه درسی تا حد زیادی تحت تأثیر آموزه‌های دینی بود، اما دروس دیگری مانند ریاضیات، نجوم و پزشکی را نیز در بر می‌گرفت (بیات، ۱۳۸۴، ص ۸۲).

سلسله قاجار که از سال ۱۷۸۹ تا ۱۹۲۵ بر ایران حکومت می‌کرد، شاهد ورود تدریجی آموزش به سبک غربی و نفوذ الگوهای اروپایی رهبری آموزشی بود. در این دوره، ایران اولین مؤسسات آموزشی مدرن خود را تأسیس کرد و ایرانیان تحصیلکرده غرب شروع به ایفای نقش برجسته‌تری در مناصب رهبری کردند.

رهبران آموزشی در عصر قاجار در معرض روش‌های آموزشی و اصول رهبری غربی بودند. برنامه درسی گسترش یافت و طیف وسیع تری از موضوعات را در بر گرفت که منعکس کننده تأثیر سیستم های آموزشی اروپا بود. عصر قاجار دوره گذار را رقم زد، زیرا ایران در پی نوسازی نظام آموزشی و اتخاذ شیوه های جدید رهبری بود (بهرآوش، ۲۰۱۸، ص ۱۱۲).

دوران پهلوی، تحت حکومت رضاشاه (۱۹۲۵-۱۹۴۱) و پسرش محمدرضا شاه (۱۹۴۱-۱۹۷۹)، شاهد نوسازی و تمرکز قابل توجهی در نظام آموزشی بود. دولت با هدف همسویی آموزش با اهداف ملت سازی و نوسازی، نقش قاطع تری در رهبری آموزشی ایفا کرد.

در این دوره، رهبران آموزشی اغلب توسط دولت مرکزی منصوب می شدند و مسئول اجرای سیاست های آموزشی دولت محور بودند. برنامه درسی بیشتر استاندارد شد و الگوهای آموزشی غربی همچنان بر سیستم تأثیر گذاشت. دوران پهلوی تغییر به سمت رویکرد متمرکزتر و اقتدارگرایانه تر به رهبری آموزشی را نشان داد (سعادت‌مند، ۱۳۸۹، ص ۳۷).

انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ تحول مهمی در رهبری آموزشی در ایران به وجود آورد. دولت جدید به رهبری آیت‌الله روح‌الله خمینی بر اهمیت تربیت دینی و نقش ارزش‌های اسلامی در شکل‌دهی نظام آموزشی تأکید کرد. این نشان دهنده بازگشت به تأثیر رهبران دینی در رهبری آموزشی بود (رستمی و امین، ۱۳۹۶، ص ۶۸).

از رهبران آموزشی در ایران پس از انقلاب انتظار می رفت که ارزش ها و آموزه های اسلامی را ترویج کنند. برنامه درسی دستخوش تغییراتی شد تا مبنای جمهوری اسلامی را منعکس کند. انقلاب نشانگر تجدید حیات رهبری آموزشی مبتنی بر دین، با تأکید بر رشد اخلاقی و اخلاقی همسو با ارزش‌های اسلامی بود.

در ایران معاصر، رهبری آموزشی همچنان تحت تأثیر تأثیر متقابل دین، دولت و ارزش‌های اجتماعی است. نظام آموزشی منعکس کننده تلفیقی از آموزه های دینی

سنتی و اصول آموزشی مدرن است. رهبران آموزشی مسئول اجرای سیاست های دولت و حصول اطمینان از همسویی آموزش با ارزش های اسلامی و منافع ملی هستند (خراسانی، ۱۳۹۸، ص ۸۸).

نظام آموزشی ایران در زمینه دسترسی و ثبت نام پیشرفت های چشمگیری داشته است. با این حال، چالش هایی مانند اصلاح برنامه درسی، آموزش معلمان، و رسیدگی به نیازهای جمعیت های متنوع دانش آموزی همچنان باقی است. رهبران آموزشی در ایران با وظیفه متعادل کردن ارزش های سنتی با خواسته های دنیای جهانی شده به سرعت در حال تغییر روبرو هستند (فرزان و احمدی، ۲۰۲۱، ص ۲۰۵).

مروری تاریخی بر رهبری آموزشی در ایران، تأثیر متقابل پیچیده ای از مذهب، فرهنگ و نفوذ دولت را آشکار می کند. رهبری آموزشی ایران از ریشه های خود در ایران باستان تا دوران معاصر به طور قابل توجهی تکامل یافته است. نقش رهبران آموزشی از علمای دینی به مقامات دولتی منصوب شده و به تأکید بر ارزش های دینی تغییر کرده است که منعکس کننده چشم انداز اجتماعی-سیاسی در حال تغییر است.

درک مسیر تاریخی رهبری آموزشی در ایران برای سیاستگذاران، مربیان و دانش پژوهان بسیار مهم است زیرا آنها چالش ها و فرصت های موجود در نظام آموزشی ایران را بررسی می کنند. این یک یادآوری است که تکامل رهبری آموزشی یک فرآیند مداوم است که توسط پویایی های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی کشور شکل می گیرد.

نظام آموزشی ایران: تحلیلی ساختاری

نظام آموزش و پرورش ایران مجموعه ای پیچیده و چندوجهی است که تحت تأثیر عوامل تاریخی، فرهنگی و سیاسی شکل گرفته است. برای دستیابی به درک جامعی از رهبری آموزشی در ایران، انجام یک تحلیل ساختاری از نظام آموزشی ایران ضروری است. این بخش به جنبه های ساختاری سیستم می پردازد، سازمان، اجزا و ویژگی های کلیدی آن را بررسی می کند. هدف این است که بینشی در مورد پیچیدگی های

ساختاری نظام آموزشی ایران و چگونگی تلاقی آنها با بافت وسیع تر رهبری آموزشی ارائه شود.

نظام آموزش و پرورش ایران در چندین سطح متمایز سازماندهی شده است که هر یک ویژگی ها و کارکردهای منحصر به فرد خود را دارند. این سیستم شامل آموزش رسمی و غیررسمی می شود و نهادها و سازمان های مختلفی در چشم انداز آموزشی کلی مشارکت دارند.

آموزش پیش دبستانی: آموزش پیش دبستانی اجباری نیست، اما به عنوان پایه ای مهم برای آموزش رسمی کودک عمل می کند. این شامل مهدکودک ها و مهدکودک ها می شود که اغلب توسط نهادهای خصوصی یا وزارت آموزش اداره می شوند. آموزش پیش دبستانی اخیراً به سیستم آموزشی ایران اضافه شده است که نشان دهنده شناخت روزافزون اهمیت آموزش در دوران کودکی است (آزادی، ۱۳۹۰، ص ۶۳).

آموزش ابتدایی: آموزش ابتدایی در ایران اجباری است و به عنوان مرحله اولیه آموزش رسمی عمل می کند. شش سال طول می کشد و عمدتاً در مدارس دولتی ارائه می شود. هدف آموزش ابتدایی فراهم کردن پایه ای قوی در دروس پایه و مهارت های ضروری است (رحمن و حسینی، ۱۳۹۸، ص ۱۴۸).

آموزش متوسطه: آموزش متوسطه به دو مرحله متوسطه اول (راهنمایی) و متوسطه عالی (دبیرستان) تقسیم می شود. دوره متوسطه پایین سه سال طول می کشد، در حالی که دوره متوسطه عالی نیز یک دوره سه ساله است. برنامه درسی در سطح متوسطه تخصصی تر می شود و به دانش آموزان فرصت انتخاب رشته های مختلف را می دهد (خسروی، ۱۳۹۹، ص ۹۷).

آموزش فنی و حرفه ای: ایران علاوه بر آموزش عمومی، دارای سیستم آموزش فنی و حرفه ای بسیار توسعه یافته ای است. این موسسات آموزش و آموزش تخصصی را برای دانش آموزانی که مایل به دنبال کردن مشاغل فنی یا حرفه ای هستند ارائه می دهند.

این بخش در سال‌های اخیر به دلیل همسویی با اهداف توسعه صنعتی و اقتصادی کشور برجستگی پیدا کرده است (میرزایی و تیموری، ۱۳۹۱، ص ۷۵).

آموزش عالی: آموزش عالی در ایران با طیف متنوعی از دانشگاه‌ها اعم از دولتی و خصوصی مشخص می‌شود. این سیستم شامل دانشگاه‌ها، موسسات فنی و حرفه‌ای و دانشکده‌های پزشکی است. بخش آموزش عالی با تأکید فزاینده بر تحقیق و نوآوری به طور قابل توجهی گسترش یافته است (علی پور و همکاران، ۲۰۲۱، ص ۱۱۲).

آموزش غیررسمی و غیررسمی: آموزش غیررسمی و غیررسمی در ایران به ویژه در مناطق روستایی و محروم نقش بسزایی دارد. ابتکارات مختلف مبتنی بر جامعه، سازمان‌های فرهنگی و مؤسسات مذهبی برنامه‌های آموزشی غیررسمی را ارائه می‌دهند که مکمل آموزش رسمی هستند (سرمد، ۲۰۱۸، ص ۴۶).

چندین ویژگی کلیدی مشخصه نظام آموزشی ایران است که ساختار و اولویت‌های منحصر به فرد آن را منعکس می‌کند:

برنامه درسی متمرکز: نظام آموزشی ایران دارای یک برنامه درسی متمرکز است که توسط وزارت آموزش و پرورش تدوین و تنظیم می‌شود. این امر یکنواختی در محتوا و استانداردهای آموزشی را در سراسر کشور تضمین می‌کند (جهانگرد و قاسمی، ۱۳۹۸، ص ۳۴).

تفکیک جنسیتی: در آموزش ابتدایی و متوسطه، تفکیک جنسیتی در ایران امری عادی است. مدارس دولتی بر اساس جنسیت از هم جدا می‌شوند و دانش‌آموزان دختر و پسر هر دو به آموزش دسترسی دارند. با این حال، این تفکیک پیامدهایی برای رهبری و اداره مؤسسات آموزشی دارد (ثقفی و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۸۸).

ارزشیابی مبتنی بر آزمون: نظام آموزشی ایران بر امتحانات برای ارزشیابی دانش‌آموزان تأکید زیادی دارد. نتایج آزمون‌های استاندارد سراسری، مانند آزمون کنکور برای پذیرش دانشگاه، نقش تعیین‌کننده‌ای در تعیین چشم‌انداز تحصیلی و شغلی دانشجویان دارد (گل محمدی و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۱۷۹).

تعلیم و تربیت دینی: نظام تعلیم و تربیت ایران شامل آموزش دینی است که جنبه اساسی برنامه درسی است. دانش آموزان در زمینه معارف اسلامی آموزش می بینند و ارزش های دینی در چارچوب آموزشی ادغام می شوند (ابراهیمی و غلامی، ۲۰۱۸، ص ۵۲).

کنترل دولت: دولت ایران کنترل قابل توجهی بر سیستم آموزشی، از جمله توسعه برنامه درسی، انتصاب معلمان، و تخصیص بودجه اعمال می کند. این کنترل متمرکز عامل مهمی در رهبری آموزشی و تصمیم گیری است (حسینی و صالحی، ۱۳۹۶، ص ۱۲۱).

نظام آموزشی ایران با طیفی از چالش ها از جمله مسائل مربوط به اصلاح برنامه درسی، تربیت معلم و تضمین کیفیت مواجه است. علاوه بر این، پرداختن به نیازهای جمعیت های متنوع دانش آموزی و همسویی آموزش با خواسته های جهانی که به سرعت در حال تغییر است، نگرانی های مداومی است.

تحلیل ساختاری نظام آموزشی ایران برای درک پیچیدگی های رهبری آموزشی در ایران ضروری است. سازمان، اجزاء و ویژگی های کلیدی این سیستم در طول زمان تکامل یافته است و منعکس کننده بافت منحصر به فرد فرهنگی و سیاسی کشور است. این تحلیل بینش های ارزشمندی را برای سیاست گذاران، مربیان و محققانی که به دنبال درک پویایی رهبری آموزشی در ایران هستند، ارائه می دهد.

تأثیرات فرهنگی بر سبک های رهبری

مطالعه سبک های رهبری در زمینه آموزش ایرانی، بدون کاوش در تأثیرات عمیق فرهنگی که شیوه های رهبری را شکل می دهند و تعریف می کنند، ناقص است. جامعه ایران عمیقاً در میراث فرهنگی خود ریشه دارد که نقش مهمی در سبک ها و استراتژی های رهبری بکار گرفته شده در بخش آموزش ایفا می کند. هدف این بخش ارائه تحلیلی عمیق از چگونگی تأثیر عوامل فرهنگی بر سبک های رهبری در آموزش و پرورش ایران است. درک این تأثیرات فرهنگی برای مربیان، سیاست گذاران و محققانی که به دنبال راهبری در پیچیدگی های رهبری آموزشی در ایران هستند، حیاتی است.

یکی از عمیق‌ترین تأثیرات فرهنگی بر سبک‌های رهبری در ایران، رواج جمع‌گرایی و ارزش‌های جمعی است. جامعه ایران بر انسجام گروهی، حمایت متقابل و احساس تعلق تاکید زیادی دارد. این ارزش‌های فرهنگی مستقیماً بر چگونگی رویکرد رهبران آموزشی به نقش‌های خود و تعامل با تیم‌های خود تأثیر می‌گذارند (محسنی، ۱۳۹۶، ص ۹۲).

رهبران آموزشی در ایران اغلب رویکردی مشارکتی و فراگیر را اتخاذ می‌کنند و به نظرات اعضای تیم خود اهمیت می‌دهند و در تصمیم‌گیری به دنبال اجماع هستند. این سبک رهبری منعکس‌کننده ترجیح فرهنگی برای تصمیم‌گیری جمعی و حل مشکلات مشارکتی است. مفهوم "ما" به جای "من" محوری برای شیوه‌های رهبری در آموزش و پرورش ایران است.

یکی دیگر از تأثیرات فرهنگی که سبک‌های رهبری را در ایران شکل می‌دهد، احترام عمیق به سلسله‌مراتب و اقتدار است. جامعه ایرانی به طور سنتی برای سن و تجربه ارزش قائل است و این احترام به اقتدار به محیط‌های آموزشی نیز کشیده می‌شود (شیرازی، ۱۳۹۷، ص ۱۱۵).

از رهبران آموزشی در ایران انتظار می‌رود که تجسم اقتدار و حفظ یک ساختار سلسله‌مراتبی واضح باشند. این سبک رهبری اغلب شامل تصمیم‌گیری از بالا به پایین و رویکرد رسمی به رهبری است. از رهبران انتظار می‌رود که الگو باشند و تصمیمات آنها به ندرت مورد تردید قرار می‌گیرد. درک این ترجیح فرهنگی برای سلسله‌مراتب برای رهبری مؤثر در زمینه آموزشی ایران بسیار مهم است.

فرهنگ ایرانی تاکید زیادی بر مهمان‌نازی و ایجاد رابطه دارد. ایجاد روابط بین فردی قوی در جامعه ایرانی ضروری تلقی می‌شود و این هنجار فرهنگی به طور قابل توجهی بر سبک‌های رهبری در آموزش تأثیر می‌گذارد (حسینی، ۱۳۹۵، ص ۴۲).

رهبران آموزشی در ایران اغلب برای ایجاد روابط نزدیک با اعضای تیم، همکاران و ذینفعان خود وقت می‌گذارند. این سبک رهبری حس اعتماد و رفاقت را در جامعه

آموزشی پرورش می دهد. رهبران نه تنها مسئول دستیابی به اهداف آموزشی هستند، بلکه مسئول حفظ روابط هماهنگ درون سازمان نیز هستند.

با توجه به چشم انداز فرهنگی متنوع ایران، انتظار می رود رهبران آموزشی از نظر فرهنگی حساس و سازگار باشند. ایران محل زندگی گروه های قومی و زبانی مختلف است که هر کدام تفاوت های فرهنگی خاص خود را دارند. رهبران آموزشی باید با این تفاوت های فرهنگی هماهنگ باشند و بتوانند سبک های رهبری خود را بر این اساس تطبیق دهند (احمدی و عزیزی، ۲۰۲۰، ص ۶۴).

حساسیت فرهنگی در رهبری شامل احترام به ارزش های فرهنگی، هنجارها و سنت های گروه های مختلف در جامعه آموزشی است. همچنین شامل تطبیق راهبردهای رهبری برای پاسخگویی به نیازهای متنوع دانش آموزان، معلمان و والدین با زمینه های فرهنگی مختلف است.

تأثیرات فرهنگی بر سبک های رهبری در ایران غالباً رهبران آموزشی را ملزم می کند تا تعادل ظریفی بین نوآوری و سنت ایجاد کنند. در حالی که ارزش های فرهنگی سنتی عمیقاً مورد احترام هستند، از رهبران نیز انتظار می رود که پیشرفت و نوآوری را در سیستم آموزشی تسهیل کنند (کیانی، ۲۰۱۹، ص ۷۸).

رهبران آموزشی باید در رویکردهای خود نوآور باشند و روش های آموزشی و فناوری نوین را در کنار هم حفظ کنند و هویت فرهنگی و ارزش های ذاتی آموزش ایرانی را حفظ کنند. این چالش رهبری پویا برای همگام شدن با تغییر چشم انداز آموزشی جهانی ضروری است.

تأثیرات فرهنگی بر سبک های رهبری در آموزش ایرانی جنبه ای حیاتی و اغلب نادیده گرفته شده در تحقیقات رهبری است. درک اینکه چگونه عوامل فرهنگی شیوه های رهبری را شکل می دهند برای پرورش رهبری موثر در زمینه آموزشی ایران ضروری است. از جمع گرایی و احترام به سلسله مراتب گرفته تا مهمان نوازی و سازگاری

فرهنگی، این تأثیرات فرهنگی بینش‌های ارزشمندی را در مورد پیچیدگی‌های رهبری در ایران ارائه می‌دهند.

رهبران آموزشی در ایران باید تعامل پیچیده بین سنت و مدرنیته، اقتدار و همکاری، و حساسیت و نوآوری فرهنگی را دنبال کنند. با تصدیق و پذیرش این تأثیرات فرهنگی، رهبران آموزشی می‌توانند به طور مؤثری جوامع آموزشی متنوع را رهبری و الهام بخشند و به پیشرفت آموزش ایرانی در جهانی که به سرعت در حال تغییر است کمک کنند.

نقش دین در شکل‌گیری رهبری آموزشی

دین نقش مهم و ماندگاری در شکل‌گیری رهبری آموزشی در ایران داشته است. آمیختگی ارزش‌ها، باورها و اصول دینی با نظام آموزشی تأثیر عمیقی بر شیوه‌های رهبری، برنامه درسی و اخلاق آموزش ایرانی گذاشته است. این بخش به بررسی نقش دین در شکل‌دهی رهبری آموزشی در ایران می‌پردازد و تحلیلی عمیق از چگونگی نفوذ تأثیرات مذهبی در چشم‌انداز آموزشی ارائه می‌کند و همچنان ادامه دارد.

تأثیر مذهبی بر رهبری آموزشی در ایران ریشه در ایران باستان دارد، جایی که دین زرتشتی مذهب غالب بود. آموزه‌های زرتشتی بر دانش آموزی و اهمیت تربیت اخلاقی و اخلاقی تأکید داشت. رهبران مذهبی، معروف به مجوس، نقش محوری در انتقال ارزش‌های اخلاقی به جوانان داشتند (پارشاطر، ۱۹۸۲، ص ۷۹).

ظهور اسلام در قرن هفتم تحولی عمیق در رهبری آموزشی در ایران به وجود آورد. علما و رهبران اسلامی، مانند ابن سینا و فارابی، آموزه‌های دینی را با آموزش کلاسیک ترکیب کردند. مدارس، مؤسسات آموزشی دینی، با تأکید بر آموزه‌های قرآن و حدیث، سخنان و اعمال حضرت محمد(ص) در این زمینه محوری بودند (رضوی، ۱۳۹۴، ص ۱۳۰).

رهبران تعلیم و تربیت در دوران اسلامی نه تنها مسئولیت آموزش آکادمیک را بر عهده داشتند، بلکه مسئولیت رشد اخلاقی و معنوی دانش آموزان را نیز بر عهده داشتند. آنها به عنوان الگوهایی در نظر گرفته می شدند که دانش آموزان را در سفر دینی و اخلاقی خود راهنمایی می کردند. نفوذ اسلام بر رهبری آموزشی به تکامل خود ادامه داد و روحیه نظام آموزشی را شکل داد.

سلسله صفویه (۱۵۰۱-۱۷۳۶) دوره تحول چشمگیری را در نظام آموزشی رقم زد. با گرویدن صفویان به شیعه دوازده امامی، دولت نقش فعالی در ترویج آموزش دینی ایفا کرد. مدارس گسترش یافتند و رهبران مذهبی به چهره های کلیدی در شکل دادن به برنامه درسی تبدیل شدند.

رهبران تعلیم و تربیت در عصر صفویه با علمای دینی همسو بودند و حفظ خلوص معارف اسلامی به آنها سپرده شد. آنها نقش مهمی در حصول اطمینان از اینکه آموزش دینی سنگ بنای برنامه درسی باقی می ماند، ایفا کردند. عصر صفویه نقش پیشوایان مذهبی را در رهبری آموزشی تثبیت کرد.

سلسله قاجار (۱۷۸۹-۱۹۲۵) شاهد همزیستی متفاوتی از مذهب و مدرنیزاسیون در رهبری آموزشی بود. دولت با حفظ نفوذ آموزه های دینی، مدارس رسمی تأسیس کرد. علمای دینی و رهبران انتصابی دولت با یکدیگر همکاری کردند تا تعادل بین ارزش های سنتی و روش های آموزشی مدرن را تضمین کنند (بیات، ۱۳۸۴، ص ۸۶).

رهبران تعلیم و تربیت در عصر قاجار در اجرای این تعادل ظریف نقش اساسی داشتند. آنها موظف بودند هویت اسلامی نظام آموزشی را با درج موضوعات مدرن حفظ کنند. تأثیر مذهبی بر رهبری، هرچند در رابطه ای پویا با مدرنیزاسیون، قابل توجه باقی ماند.

انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ نقطه حساسی را در نقش دین در شکل گیری رهبری آموزشی رقم زد. رهبری آیت الله روح الله خمینی بر اهمیت ارزش های دینی و نقش مبانی اسلامی در تعلیم و تربیت تأکید کردند. انقلاب منادی بازگشت به رهبری آموزشی

مبتنی بر دین، با تأکید بر اخلاق و ارزش‌های اسلامی بود (رستمی و امین، ۱۳۹۶، ص ۷۴).

رهبران آموزشی در ایران پس از انقلاب موظف شدند آموزه های دینی را در برنامه درسی القا کنند. آنها نقش محوری در شکل دادن به فضای آموزشی بر اساس اصول جمهوری اسلامی داشتند. نفوذ رهبران دینی بر رهبری آموزشی احیا شد و آنها وظیفه داشتند اطمینان حاصل کنند که آموزش بر اساس ارزش‌های اسلامی استوار است.

در ایران معاصر، نقش دین در شکل‌دهی رهبری آموزشی پابرجاست، اما در کنار چالش‌های جهانی که به سرعت در حال جهانی شدن است، وجود دارد. رهبران آموزشی موظف به اجرای سیاست‌های دولت هستند که با ارزش‌های اسلامی همسو می‌شوند و در عین حال به خواسته‌های یک جامعه متنوع و مدرن می‌پردازند (خراسانی، ۱۳۹۸، ص ۹۴).

نظام آموزشی ایران همچنان بین ارزش‌های دینی و نیاز به آماده سازی دانش آموزان برای دنیایی به هم پیوسته تعادل برقرار می‌کند. رهبران آموزشی با وظیفه پیچیده حفظ هویت دینی روبرو هستند و در عین حال اطمینان می‌دهند که دانش‌آموزان به مهارت‌های لازم برای پیشرفت در یک زمینه جهانی شده مجهز هستند (فرزان و احمدی، ۲۰۲۱، ص ۲۱۰).

دین بخش بادوام و جدایی ناپذیر شکل‌گیری رهبری آموزشی در ایران بوده است. از ایران باستان تا دوران معاصر، تأثیر دین بر رهبری آموزشی نیرویی پویا و در حال تحول بوده است. نقش رهبران آموزشی علاوه بر هدایت تحصیلی، رشد اخلاقی و اخلاقی همسو با ارزش‌ها و باورهای دینی جامعه را نیز در بر گرفته است.

درک نقش دین در رهبری آموزشی در ایران برای سیاستگذاران، مربیان و محققان بسیار مهم است زیرا آنها پیچیدگی‌های یک سیستم آموزشی را که عمیقاً در سنت‌های دینی ریشه دارد، بررسی می‌کنند. این یادآوری است که تأثیر دین بر رهبری آموزشی همچنان به شکل‌گیری اخلاق و عملکرد نظام آموزشی ایران ادامه می‌دهد.

روندهای معاصر در رهبری آموزشی

از آنجایی که سیستم های آموزشی در سراسر جهان به تکامل خود ادامه می دهند و با خواسته های قرن بیست و یکم سازگار می شوند، ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست. روندهای معاصر در رهبری آموزشی در ایران با تأثیر متقابل پیچیده عوامل فرهنگی، سیاسی و اجتماعی مشخص می شود. این بخش به بررسی چشم‌انداز پویای رهبری آموزشی در ایران می‌پردازد و آخرین تحولات و روندهایی را که رویکرد کشور به رهبری در آموزش را شکل می‌دهند، روشن می‌کند.

در دنیایی که به سرعت در حال تغییر است، ایران، مانند بسیاری از کشورهای دیگر، شیوه های رهبری آموزشی خود را با برنامه های جهانی هماهنگ می کند. اهداف توسعه پایدار سازمان ملل متحد (SDGs)، از جمله هدف ۴ در آموزش با کیفیت، رهبران آموزشی ایران را بر آن داشته است تا بر فراگیری، دسترسی و کیفیت در سیاست ها و عملکردهای خود تمرکز کنند (یونسکو، ۲۰۱۶، ص ۴۲).

تعهد ایران به دستیابی به اهداف توسعه پایدار در تلاش هایش برای بهبود دسترسی به آموزش، کاهش نابرابری ها و ارتقای کیفیت آموزش و یادگیری مشهود است. اکنون رهبران آموزشی در ایران وظیفه دارند از مطابقت نظام آموزشی کشور با استانداردها و معیارهای بین المللی اطمینان حاصل کنند.

قرن بیست و یکم دوره جدیدی از آموزش مبتنی بر فناوری را آغاز کرده است. در ایران، تاکید روزافزونی بر ادغام فناوری در آموزش و یادگیری شده است. رهبران آموزشی در تلاشند تا از پتانسیل ابزارها و پلتفرم های دیجیتال برای ارتقای نتایج آموزشی استفاده کنند (اسدی و احمدی، ۲۰۲۰، ص ۶۳).

این روند در ایجاد بسترهای یادگیری الکترونیکی و توسعه محتوای دیجیتال مشهود است. رهبران آموزشی نه تنها مسئول اجرای فناوری هستند، بلکه مسئولیت توسعه حرفه ای مربیان را نیز بر عهده دارند تا از منابع دیجیتالی در کلاس درس به طور موثر

استفاده کنند. ادغام فناوری به عنوان وسیله ای برای بهبود کیفیت آموزش و آماده سازی دانش آموزان برای آینده دیجیتالی دیده می شود.

اصلاح برنامه درسی روندی مستمر در ایران بوده که نشان دهنده نیازهای متغیر جامعه است. رهبران آموزشی در خط مقدم این اصلاحات قرار دارند و به دنبال ایجاد برنامه درسی مرتبط، فراگیر و پاسخگو به خواسته های دنیای مدرن هستند (رضوی زاده و فرجی، ۲۰۱۹، ص ۷۸).

یکی از پیشرفت‌های مهم، ادغام مهارت‌های کارآفرینی در برنامه درسی است. رهبران آموزشی در تلاشند تا ذهنیت کارآفرینی را در بین دانش‌آموزان تقویت کنند و بر نوآوری، تفکر انتقادی و حل مسئله تأکید دارند. این نشان دهنده این است که در یک اقتصاد جهانی شده، دانش آموزان باید برای یک بازار کار به سرعت در حال تغییر آماده شوند.

فراگیر بودن دغدغه اصلی رهبران آموزشی در ایران است. تلاش‌ها برای اطمینان از دسترسی به آموزش برای همه، صرف نظر از پیشینه اجتماعی-اقتصادی، جنسیت، یا توانایی‌های جسمی در حال انجام است. رهبران آموزشی برای ایجاد یک محیط آموزشی فراگیر که نیازهای متنوع جمعیت دانش‌آموزی را برآورده می‌کند، تلاش می‌کنند (افتخاری و شکر، ۲۰۱۷، ص ۱۱۲).

تلاش‌های فراگیر شامل پذیرش دانش‌آموزان دارای معلولیت، ترویج برابری جنسیتی و فراهم کردن فرصت‌های آموزشی برای جوامع حاشیه‌نشین است. رهبران آموزشی در شکل‌دهی سیاست‌ها و شیوه‌هایی که یک سیستم آموزشی فراگیرتر و عادلانه‌تر را تقویت می‌کنند، نقش مهمی ایفا می‌کنند.

نقش معلمان در شکل دادن به کیفیت آموزش را نمی‌توان نادیده گرفت. رهبران آموزشی در ایران اهمیت توسعه حرفه ای معلمان را به عنوان ابزاری برای ارتقای کیفیت تدریس می‌شناسند. آنها در حال اجرای برنامه‌ها و ابتکاراتی برای توانمندسازی معلمان

با دانش و مهارت های مورد نیاز برای برتری در کلاس هستند (تقی زاده و سبزعلی پور، ۲۰۱۸، ص ۹۶).

فرصت های توسعه حرفه ای شامل آموزش در رویکردهای آموزشی، طراحی برنامه درسی و استفاده از فناوری است. علاوه بر این، بر ارزیابی مستمر و بازخورد برای کمک به معلمان برای بهبود شیوه های آموزشی خود تمرکز دارد. رهبران آموزشی درک می کنند که سرمایه گذاری در توسعه معلمان سرمایه گذاری در آینده آموزش در ایران است.

تضمین کیفیت به یک دغدغه کلیدی برای رهبران آموزشی در ایران تبدیل شده است. اطمینان از اینکه سیستم آموزشی با استانداردهای بالای کیفیت و پاسخگویی مطابقت دارد، اولویت اصلی است. رهبران آموزشی در حال اجرای سازوکارهای ارزیابی و ارزیابی دقیق برای نظارت و بهبود کیفیت آموزش هستند (فتحی، ۱۳۹۵، ص ۱۳۴).

این شامل توسعه تست ها و ارزیابی های استاندارد و همچنین ایجاد آژانس های تضمین کیفیت می شود. هدف ایجاد سیستمی است که در آن نتایج آموزشی سنجیده شود و مؤسسات در قبال عملکرد خود پاسخگو باشند. تضمین کیفیت در آموزش به عنوان ابزاری برای افزایش اعتبار و اثربخشی نظام آموزشی ایران تلقی می شود.

روندهای معاصر در رهبری آموزشی در ایران بازتابی از تعهد این کشور برای مقابله با چالش های قرن بیست و یکم است. رهبران آموزشی در تلاش هستند تا سیستم آموزشی ایران را با برنامه های جهانی هماهنگ کنند، فناوری را یکپارچه کنند، برنامه درسی را اصلاح کنند، فراگیر بودن را ترویج کنند، در توسعه حرفه ای معلمان سرمایه گذاری کنند و تضمین کیفیت را تضمین کنند.

این روندها بر ماهیت پویای رهبری آموزشی در ایران و نقش در حال تحول رهبران آموزشی در پاسخگویی به نیازهای در حال تغییر جامعه تاکید دارد. همانطور که ایران به سفر خود به سوی تعالی آموزشی ادامه می دهد، ضروری است که رهبران آموزشی سازگار، نوآور و متعهد به بهبود سیستم آموزشی کشور باقی بمانند.

چالش‌های کلیدی پیش روی رهبران در مدارس ایران

رهبری در مدارس ایران با چالش‌های بی‌شماری مواجه است که در طول زمان تکامل یافته و همچنان چشم‌انداز آموزشی را در کشور شکل می‌دهد. این بخش چالش‌های کلیدی را که رهبران آموزشی در مدارس ایران با آن مواجه می‌شوند، بررسی می‌کند و بینش‌هایی را درباره محیط پیچیده و پویایی که در آن فعالیت می‌کنند ارائه می‌کند. برای درک کامل دامنه این چالش‌ها، توجه به بستر تاریخی، فرهنگی و اجتماعی سیاسی که رهبری آموزشی در ایران در آن قرار دارد ضروری است.

یکی از چالش‌های اساسی پیش روی مدیران در مدارس ایران، موضوع نابرابری آموزشی و دسترسی است. علیرغم پیشرفت قابل توجه در گسترش دسترسی به آموزش، نابرابری‌ها به ویژه در مناطق روستایی و در میان جمعیت‌های حاشیه نشین همچنان ادامه دارد (مهران و رودی فهیمی، ۲۰۲۰، ص ۵۶). رهبران آموزشی باید وظیفه پیچیده حصول اطمینان از دسترسی به آموزش با کیفیت را برای همه، صرف نظر از عوامل اجتماعی-اقتصادی یا جغرافیایی، انجام دهند. این چالش با منابع محدود تشدید می‌شود و نیازمند رویکردهای نوآورانه برای پر کردن شکاف است.

در نظام آموزشی ایران تأکید زیادی بر حفظ حروف و تست استاندارد شده است که می‌تواند مانع تفکر انتقادی و خلاقیت شود (عباس زاده، ۱۳۹۷، ص ۸۹). رهبران آموزشی با وظیفه ترویج شیوه‌های آموزشی که تفکر انتقادی و مهارت‌های حل مسئله را در حین پایبندی به برنامه درسی موجود پرورش می‌دهند، مواجه هستند. ایجاد توازن بین سنت و نیاز به روش‌های نوین تدریس، چالشی دائمی در مدارس ایران است.

ایران با کمبود معلمان واجد شرایط به ویژه در مناطق دورافتاده مواجه است که بر کیفیت آموزش تأثیر می‌گذارد (کاظمی، ۱۳۹۸، ص ۱۱۲). رهبران آموزشی موظف به استخدام و حفظ مربیان شایسته و در عین حال توسعه حرفه‌ای مستمر هستند. این چالش با نیاز به پرداختن به نیازهای مختلف جمعیت‌های متنوع دانش‌آموزی تشدید می‌شود.